

متن پرسش

سلام علیکم استاد عزیز: جناب ملاصدرا در ابتدای برهان صدیقین، تشکیک در وجود رو مطرح و دنبال می کنند منتها در انتهای برهان وحدت شخصی وجود را مطرح می کنند. آیا از وحدت تشکیکی اعراض می کنند و یا اینکه هدف آموزشی و یا هدف دیگری وجود داشته است؟ با اثبات وحدت شخصی وجود به نقص و غلط بودن وحدت تشکیکی یا تشکیک در وجود پی می بریم، شخصیتی مثل جناب شیخ چطور در ابتدا تشکیک در وجود و در انتها تشکیک در ظهور را مطرح می کنند سیر تاریخی مشخصی برای این اعراض نقل شده است؟ آیا درسته که در تعریف ممکن الوجود کلمه اقتضای عدم اخذ بشه همانطور که حضرتعالی در شرح کتاب برهان صدیقین ذیل برهان دوم در اثبات هویت تعلقی (صفحه ۳۱) نوشتید ممکن آن است که اقتضای وجود و اقتضای عدم دارد. سوال این است آیا می شود ممکنات اگر قائل به وجود بودن آنها شویم (که می گوئیم ما سوی الله ظهورند نه وجود) می شود ممکنات در آنها اقتضای عدم وجود داشته باشد با توجه به این فرض اگر بپذیریم ممکنات وجود دارند نه ظهور، حال وجودشان را از فیاض به معنای دائم الفیض به تجلی دریافت کرده اند حال چگونه در آنها اقتضای عدم راه خواهد داشت در حالی که آنها در وجود گرفتن از منبع فیض به نحوه دائمی با توجه به صفت مشبیه بودن این کلمه، به نوعی واجب شده اند در وجود، منتها واجب بالغیر در مقابل واجب به ذات که خداوند متعال باشد پس نمی توان در آن اقتضای عدم تصور نمود بلکه وجود است لیکن ما می گوئیم وجود نیست بلکه ظهور است وجود مختص خداوند است. آیا این تقسیم و تعریف تقسیم ها صحیحه؟ اصلا درسته که واجب و ممکن تقسیم همدیگه باشن؟ مگه رابطشون طولی نیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. می شود گفت همین طور که می فرمایید تشکیک در وجود، جنبه‌ی تعلیمی داشته باشد و بیشتر، تشکیک در ظهور، مدّ نظر بوده است. ۲. ممکن الوجود در ذات خود، وجودی ندارد تا این بحث‌ها به میان آید. آری! نسبت به عدم مطلق، اقتضای وجود دارد ولی در هر حال، عدم است. به همین جهت اصطلاح «عدمّ ما» را برای آن به کار می‌برند. موفق باشید